فیش منبر

موضوع:

تفسیر سوره توبه

(جلسه بیست و سوم)

سخنران:

استاد رفیعی



جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

«أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَ الْحَمْدَ مِفْتَاحاً لِذِکْرِهِ وَ سَبَباً لِلْمَزِیدِ مِنْ فَضْلِهِ، وَ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلَی حَبِیبِهِ وَ خِیَرَتِهِ أَبِی الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَی مُحَمَّدٍ (اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ) وَ عَلَی آلِهِ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ الْمُنْتَجَبِینَ، سِیَّمَا بَقِیَّةِ اللَّهِ فِی الْأَرَضِینَ، وَ اللَّعْنُ عَلَی أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِینَ. اللَّهُمَّ کُنْ لِوَلِیِّکَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ عَلَی آبَائِهِ فِی هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِی کُلِّ سَاعَةٍ وَلِیّاً وَ حَافِظاً وَ قَائِداً وَ نَاصِراً وَ دَلِیلًا وَ عَیْناً حَتَّی تُسْکِنَهُ أَرْضَکَ طَوْعاً وَ تُمَتِّعَهُ فِیهَا طَوِیلًا.»

در روزهای پایانی و ساعات و لحظات آخرین ماه مبارک رمضان قرار داریم؛ ماه برکت، ماه خیر، ماه رحمت. ماهی که عمر ما ازش عبور کرد، ماه از ما عبور نکرد. ماه سر جاشه، سال‌ها بوده، سال‌ها هم خواهد بود، اما عملاً فرصت‌های ما در این ماه رو به پایانه. ان‌شاءالله خداوند همه‌مون رو ببخشد و بیامرزد. الهی عزیزانی که مخصوصاً زائر به این حرم آمدند، بینندگان عزیزی که این برنامه رو دنبال می‌کنند، ان‌شاءالله حاجاتشون برآورده بخیر باشد.

الهی ما امروز بحث سوره توبه رو به پایان می‌رسونیم، چون فردا یه مقداری راجع به عید فطر صحبت کنیم. عزیزانی که بودند از ابتدا می‌دونن ما امسال تفسیر سوره توبه رو انتخاب کردیم به خاطر نکات بسیار مهمی که در این سوره هست، از جمله حوادث جنگ تبوک که جنگ مهمی بوده و نکات

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

زیادی داره. تقریباً تا چهل و چهار، پنج تا آیه ش رو تونستیم خدمت شما بگیم، بقیه‌ش هم ببینیم عمر چقدره فرصتی می‌شه، نمی‌شه. ان‌شاءالله امروز آیه چهل و سه، چهل و چهار و چهل و پنج رو مورد بحث قرار می‌دیم. فکر می‌کنم چهل و دو رو هم باید بریم. بله، آیه چهل و دو رو عرض کردیم دیروز، آیه چهل و سه تا چهل و پنج. بله، بله، چهل و سه تا چهل و پنج رو عرض می‌کنیم و بحث رو جمع می‌کنیم.

یه اشاره‌ای کنم، چون بعضی عزیزان ممکنه امروز به جمع ما پیوسته باشند: به پیامبر اکرم خبر دادند از طرف روم شرقی بنا دارن به مدینه حمله کنن، چهل هزار نیرو آماده کردند. و همین طور هم بود. رسول خدا فرمودند ما نمی‌نشینیم اینا بیان مدینه. خب اگر هم می‌آمدن خطر جدی بود. چند هزار آدم مسلح. حضرت فرمودند ما می‌ریم سر مرز، فاصله مدینه تا مرز تبوک – که امروز تبوک یکی از استان‌های عربستانه، آخرین استان، استان مرزیه – حضرت فرمودند ما می‌ریم اونجا. خب ششصد و ده کیلومتر راه، خیلی تابستان، گرما، اون هم مسلمون‌هایی که یا پیاده‌اند یا مرکب ساده‌ای دارن. خیلی‌ها نیامدن.

که آیه چهل و دو که شما اشاره کردید، قرآن می‌فرماید: بعضی‌ها می‌گفتند اگر عَرْضَنا غَنیماً (یعنی یک منفعت نزدیکی باشه) یا سَفَراً قاصداً (یه سفر آسانی باشه ما می‌آییم، کوتاه باشه، کوتاه باشه ما می‌آییم)؛ اما اینجا: وَعُدّتْ عَلَیْهِ مَشَقَّةٌ (این همه راه). بعضی‌ها نیامدن. خب حضرت رفتن و برگشتن

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

و جنگی هم درنگرفت؛ اون‌ها عقب‌نشینی کردند در واقع. البته سفر با برکتی بود، تو مسیر پیغمبر به هر منزل و هر قریه و هر منطقه‌ای که وارد می‌شد اسلام رو معرفی می‌کرد، بعضی‌ها مسلمان می‌شدن، قرارداد می‌بستن.

این آیاتی که الان داریم می‌خوانیم بعد از جنگ تبوک نازل شده و داره تحلیل می‌کنه حوادث جنگ تبوک رو. خب دقت بفرمایید، چون آیه ای که امروز بحث می‌کنیم یه مقداری چالشیه. از جمله کسانی که نیامدن در جنگ تبوک، بعضی از منافقین بودن. منافقین همیشه مسئله‌ساز بودن. حالا کفار تکلیفشون معلومه، مقابل آدمن، آدم باهاشون می‌جنگه. ولی منافق واقعاً پیچیده‌ست، اصلاً اسمش هم روشه: دَر رو.

این منافقین بعضی‌هاشون اومدن خدمت پیامبر گفتن به ما اجازه بده ما تو این جنگ شرکت نکنیم. خواهش می‌کنم دقت کنید که من بتونم آیه رو معنا کنم. خب بهانه‌هایی هم آوردن. مثلاً بعضی‌هاشون گفتن خونه‌هامون در خطره. بعضی گفتن زن و بچه‌مون تنها. بعضی گفتن ما توانش رو نداریم. حتی قرآن میگه بعضی‌ها گفتن ما می‌ترسیم اونجا گول دخترای رومی رو بخوریم، بیایم اونجا دچار آسیب بشیم، منحرف بشیم.

بالاخره رسول خدا لشکریش آماده شد، تا چهل پنجاه هزار هم نوشتن نیرو جمع کرد، رفت. به بعضی از اینا اجازه داد. این آیه به پیغمبر گرامی اسلام میفرماید: «**عَفَا اللَّهُ عَنکَ لِمَ أَذِنتَ لَهُمْ**» چرا اجازه دادی به این منافقین؟ «**حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَکَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْكَاذِبِينَ**» اگر اجازه نمی‌دادی

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

صادق از کاذب معلوم می‌شد، دروغگو از راستگو معلوم می‌شد. معلوم می‌شد که اینا نمی‌آن و خیانت می‌کنن. خوب بود بذاری تکلیف اینا روشن بشه.

خب این آیه چی میخواد بگه؟ برادران عزیز، خواهران گرام! سه چهار تا نکته میگم نتیجه بگیرم:

نکته‌ی اول: به اعتقاد ما رسول خدا معصوم است؛ از گناه، از خطا و حتی از ترک اولی. پیامبر عصمت محض داره به اذن و به قدرت و به عنایت الهی. اگه نداشت خدا نمی‌فرمود هرچی این پیغمبر میگه بگید چشم. وقتی شما به یکی میگی هرچی این آقا میگه بگید چشم، یعنی این صددرصد مصون است، مصون از خطاست. آیه اش هم اینه: «**قُلْ إِن كُنتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي**» اگر خدا رو دوست دارید، از من پیامبر تبعیت کنید. و آیات زیادی داریم می‌فرماید: «**مَّنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ**». آیه معروف: «**أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ**». خب اینا رو کنار هم که می‌چینیم خدشه‌ای در این اصل نیست که پیامبر خدا هیچ ذنبی تو زندگیش نیست، معصوم قبل از بعثت و بعد از بعثت.

خب حالا این رو بذارید کنار. سه بار تو این قرآن به پیغمبر گناه نسبت داده شده. دو جاش میگه: «**وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ**» برای گناهت طلب مغفرت کن. این دو جا که حلّه. ما تو دعای کمیل هم می‌خوانیم امیرالمؤمنین مگه نمیگه: «**كُلْ بِنَا اذْهَبْتَ**» خدایا گناهی که من کردم... اللهُ مَغفِرُ الذُّنُوبِ.

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

خودش رو داره میگه «**الذُّنُوبِ الَّتِی تَحْتَ کَلِمِکَ**». اصلاً شما امام سجاد رو نگاه کنید مناجات «ایّها العزیز» داره، چقدر اظهار گناه می‌کنه توی دعاهاش. لذا اینی که خدا میفرماید: «**وَغَفَرَ لَکَ رَبُّکَ**» این معناش این نیست که ایشون خطای گناهی داشته. نه. خود پیغمبر گاهی میگفتند شما چرا استغفار می‌کنید؟ شما که معصومین! می‌فرمود: دلم با استغفار زنگارش می‌ره روشن میشه. یا گاهی به امیرالمؤمنین بعضی‌ها می‌گفتن شما چرا میگی: «**اِهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِیمَ**»؟ حالا ما بگیم حق داریم شما خود صراط مستقیمی. علی (ع) فرمود: «**أَنَا الصِّراطُ الْمُسْتَقِیمُ**» تو روایات داریم ائمه ما صراط، فرمود: منم صراط مستقیمم. می‌خوام بمونم یه وقت خدایی نکرده.

لذا خدا رحمت کنه مرحوم سید مرتضی رو، کتابی نوشته «تنزیه الانبیاء و الائمه». امام معصوم است، پیامبر معصوم است، نبی اکرم معصوم است. این اظهار گناه هایی که اینا می‌کنن یا آموزش به ماست: یاد بگیرید اینطوری بگید. بگید: «**اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِی الذُّنُوبَ الَّتِی تَحْجُبُ الدُّنُوَّ**» یا اینکه نه، این استغفار برای ما طلب مغفرته، برای اون‌ها رشد و تعالیه.

خب این سه جای قرآن به پیامبر ذنب نسبت داده شده. دو جاش رو عرض کردم. یکیش که یه خورده چالشیه و خیلی مورد بحث، سوره ی فتح: «**إِنَّا فَتَحْنَا لَکَ فَتْحًا مُّبِینًا * لِّیَغْفِرَ لَکَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِن ذَنبِکَ وَمَا تَأَخَّرَ**». پیغمبر تو صلح حدیبیه تو پیروزی شدی، فتح پیدا شد. خدا گناهان گذشته

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

تو رو و آینده رو بخشید؛ گناه های قدیمی و گناه های جدید رو بخشید. صریحه دیگه. «**لِيَغْفِرَ لَکَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِن ذَنبِکَ وَمَا تَأَخَّرَ**».

اتفاقاً تو یه جلسه‌ای مامون همین سوال رو از امام رضا پرسید. آقا من یه سوالی دارم از شما. آقا مامون بفرمایید. گفت: مگه شما نمیگید پیغمبر معصومه؟ آقا مامون چرا خب پس این آیه چی میگه؟ گناهان ما تقدم و ما تاخر پیغمبر رو ما بخشیدیم خدا می‌بخشه؟ آقا فرمودند که گناه ذنب، حالا من نقل به معنا می‌کنم، حتماً به معنای معصیت که نیست. فرمود: رسول خدا از نظر مشرکین گنهکار بود. چرا؟ چون بت‌های اینا رو شکسته بود. شکستن بت رو این‌ها گناه می‌دونستن. چون با شرک مبارزه کرده بود، جلوی عقاید باطل اینا رو گرفته بود، جلوی دختر زنده به گور کردن این‌ها رو گرفته بود. لذا پیغمبر از نظر این‌ها گنهکار بود. خدا میفرماید: ما با این صلح حدیبیه، با این فتح، این گناهانی که به نظر اون‌ها گناه بود – والا تو که معصیت نمی‌کنی – بخشیدیم. یعنی دیگه اونا متوجه شدن تو حقی. حتی خود اینا تو فتح مکه دیگه ایمان آوردن خیلی‌هاشون. این جواب رو امام رضا به مامون داد.

آقایان عزیز، خواهران گرام! این آیه ای هم که ما امروز داریم بحث می‌کنیم، من خدمت شما عرض کنم: رسول خدا خیلی ماخوذ به حیا بوده، خیلی ماخوذ به حیا. گاهی جاها از حق خودش می گذشت، چون واقعاً ایشون در درجه بالایی از حیا بود و ملاحظه مردم رو خیلی می کرد. من یه نمونه

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

خدمت شما بگم: آمدن خونه پیامبر مهمانی. غذاشون رو خوردن، بیکار بودن نشستن به صحبت کردن. حالا پیغمبر هم می خواد عبادت کنه، استراحت کنه، بالاخره کار داره. حضرت روش نمی شد به اینا بگه بلند شید برید. روش نمی شد. آیه نازل شد، فرمود: **«إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»...**

پیامبر حیا می‌کنه به شما بگه، ولی والله الله یَستَحیی (خدا حیا نمی کنه) از این: پاشید برید وقتی غذاتون رو خوردید. خب من از شما سوال می‌کنم: یه چیزی که پیغمبر نتونست بگه ولی خدا بیان کرد، اون چی بود؟ اینه که آقایون غذاتون رو خوردید تشریف ببرید، من کار دارم، عبادت دارم. خود خدا تو قرآن میگه سوره احزاب دیگه: **«فَاسْتَحْيَ مِنْكُمْ»** پیغمبر حیا می‌کنه، روش نمی شه به شما بگه پاشید برید، ولی من خدا والله لا یَستَحیی من الحق، من حیا ندارم از حق‌گویی. وقتی غذاتون رو خوردید بلند شید.

خدا اینجا اومد به کمک پیغمبر. این آیه هم که داریم می‌خوانیم همینه. اینا اومدن پیش پیغمبر، گردن کج کردن: یا رسول الله ما ساختمونه، خونمون در خطره، زن و بچه‌مون تنها... منافق بودن. اگه اجازه بدید ما معاف باشیم. پیغمبر فرمودند: اشکال نداره باشه. و من به شما بگم اجازه دادن به عدم شرکت در جنگ رو خدا به پیغمبر رسماً اعلام کرده. من آیه رو براتون می‌خوانم، سوره مبارکه نور آیه شصت و دو: **«فَعَن لِّمن شِئْتَ**

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

مِنْهُمْ» اگر بعضی‌ها اومدن گفتن ما رو معاف کن، ما تو جنگ نمی‌تونیم شرکت کنیم، بهشون اجازه بده.

خب حالا پیامبر به این منافقین اجازه داده اینا تو جنگ نیامدن. اگر اجازه هم نمی‌داد نمی‌اومدن. اگر می آمدند فتنه ای ایجاد می‌کردند. خدا کنه داره مثل همون قصه ی غذا که می گم. می فرماید: خب تو ملاحظه کردی بهشون گفتی اشکالی هم نداره. حرام هم مرتکب نشدی. ترک اولی هم نیست. اما اگر این‌ها رو بهشون اجازه نمی‌دادی موجب می‌شد رسوا بشن. یه حقیقتی رو داره بیان می‌کنه: **«عَفَا اللَّهُ عَنکَ لِمَ أَذِنتَ لَهُمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَکَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْكَاذِبِينَ»**.

خدای تبارک و تعالی در آیه ی بعدی می فرماید: ببین راحت بهت بگم اینا دین ندارن آقایون. من الان میگم منافق خیلی خطر جدیه. امروز هم ما تو کشورمون بیشتر گرفتاری مال منافقینه. آمریکا معلومه شمشیر رو از رو بسته میگه من میخوام جمهوری اسلامی نباشه. اسرائیل معلومه میگه من میخوام این کار رو انجام بدم. مشخصه. اما منافق کنار گوش نظام نفوذ می‌کنه، تو دولت، تو مجلس، تو قوه، تو وزارتخانه نفوذ می‌کنه و خطرش رو ایجاد می‌کنه تو وضع قوانین. لذا بارها رهبر انقلاب خطر منافقین و نفوذی‌ها رو متذکر شدن.

من مثال میزنم ها. نفوذی چیکار می‌کنه؟ میاد مسجد می‌سازه، هیئت درست می‌کنه اسم مذهب. بعد هم میاد خدمت پیامبر: آقا سلام علیکم،

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

میشه لطف بفرمایید مسجد ما رو افتتاح کنید؟ خب کاباره که نیست، مرکز فحشا که نیست. مسجد، مسجد هم مقدسه. رسول خدا می فرماید: باشه من میرم. تبوک رفتن، برگشتن. خب پیامبر وقتی برگشت آیه نازل شد: «یا رسول الله حواست جمع باشه نیست این مرکز ضرره». **مسجد ضرار** دستور تخریبش اومد.

این سه تا آیه همین رو میخواست بگه که در جنگ تبوک افرادی آمدن خدمت پیامبر اجازه گرفتن شرکت نکنن. پیامبر هم اجازه بهشون داد. علتش هم این بود، چون میتونست حضرت اجازه نده، اینا بفرمایید: نه، بازم نمی آمدن و اگه بیان باعث فتنه بشن. پیامبر برای خوابوندن این نزاع به اینا اجازه داد. ولی این آیه داره به پیغمبر میگه اگر اجازه نمی‌دادی بهتر بود. بالاخره اینا افشا می‌شدن. هیچ خطایی و هیچ ذنبی و هیچ گناهی از این آیه برداشت نمیشه که متأسفانه بعضی از تفاسیر مثل تفسیر کشاف و این‌ها این رو حمل بر معصیت و گناه کردن در پیامبر! نه، اصل عصمت پیامبر به نص آیات قرآن موجب خدشه نیست.

خب یه نکته ی دیگه من بگم و ما چهل و پنج آیه رو موفق شدیم نکاتش رو بگیم برای شما دیگه ان‌شاءالله باشه در آینده. و اون نکته چند تا از ویژگی‌های منافقینه. آقا منافق رو چجوری میشه شناخت؟ شاخ و دُم که نداره، علامت که نداره. **عبدالله بن اُبی** در رأس منافقینه. در رأس منافقین. انقدر خیانت کرد و اذیت کرد. البته پیامبر با منافقین جنگ نداشته، با کفار

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

داشته مثل جنگ احد، با یهود داشته مثل جنگ مثلاً بنی نضیر یا خیبر، اما رسماً یه جنگی که منافقین جلوش بایستن، حضرت هم به عنوان منافق با اینا بجنگه، نداشتن.

و خود خدا تو قرآن میفرماید: **«وَ مِن أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ»** بعضی از اهالی مدینه مَرَدوا علی النفاق (بر نفاق پافشاری کردند). لا تعلمهم (تو ممکنه هم نشناسی). پشت سر تو نماز بخونن. میان که البته کار خودشون رو هم کردن، منافقین لطمه ی خودشون رو زدن، مسیر رو بعد از اسلام تغییر دادند و خیلی لطمه ی جدی ای زدن.

حالا من چند تا از این ویژگی‌های منافقین رو برای شما سریع میشمرم، چون فرصتم زیاد نیست:

یک: منافق اهل خود است. این رو اسمش رو میذارم منافق شناسی. نیرنگ می‌کنه، نیرنگ می‌کنه. **«يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا»**.

دو: وقتی پیش مؤمنین میان میگن: **«آمَنَّا»** ما مؤمنیم. وقتی میرن پیش رفقا خودشون می گن: ایمان چیه، پیغمبر چیه؟ منکر میشن. این ده تا علامت رو میتونید باهاش بشناسید منافقین. ده تاش رو من میگم ها، زیاده.

سه: دروغ می گن. **«وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ»**. خدا شهادت میده که منافقین کاذبند.

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

چهار: زبانشون تنده، نیش دارن، نیش دارن. یعنی دائماً دنبال نقد ندارند ها، دنبال بهانه‌جویی‌اند. تیکه میندازن، تیکه میندازن. «**أَلْسِنَتُهُمْ حِدَادٌ**». یعنی زبان تیز.

پنجم: ریاکارن. نماز می‌خونن اما «**يُرَاءُونَ**» ریا می‌کنن با کسالت.

ششم: اگه خدمتی هم می‌کنن با کراهت. این عجیبه. نماز با کسالت، انفاق با کراهت. ممکنه یه وقت دست به جیب بکنن اما «**لَا يُنفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ**». کارئون یعنی کراهت.

هفتم: ظاهر آراسته ای دارن. البته نمیخوایم بگیم هر ظاهر آراسته ای منافقه ها. منافق ظاهرش رو آراسته می‌کنه حسابی تیپ و قیافه، و به گونه ای که اصلاً شما می بینیش تعجب می‌کنی. «**وَإِذَا رَأَيْتَ أَجْسَامَهُمْ**». من توی یکی از این گروه ها دیدم... این جمله رو فیلم بود یا مطلبی بود که یکی از همینایی که حالا الان اختلاس کرد و با جای پیشانی سجده، پیشانی فرار کرد از کشور و خیلی لطمه زد به نظام... یه آقایی میگفت یه وقتی ما تو وزارتخانه رفتیم نماز، ایشون هم صف اول وایساده بود و سجاده ای انداخته بود و عبایی انداخته بود. می گفت رفتیم گفتم: آقا ببخشید من کارم گیره، این نامه رو لطف کنید امضا کنید. نگاه کرد گفت: خودکار اداره جیبمه، ببخشید خودکار شخصی ندارم. نامه شخصی بود، اون خودکار اداره جیبمه، بذار برم دفترم خودکار شخصیم رو بردارم. آقا فیلم بازی نکن امضا

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

کن. تو با خودکار اداره و شخصی... یه چیزی شنیدی امیرالمؤمنین چراغ بیت المال رو خاموش کرد؟

بعضی از منافقین اینطورن. یعنی از شما... خود امام فرمود من یادم هست امام فرمود اینها نجف اومدن پیش من، اونقدر نهج البلاغه و قرآن خوندن که من تعجب کردم. که آقای مطهری فرموده بود ما تعجب کردیم چرا امام اینها رو تایید نمی‌کنه؟ گفتیم آقا اینا دارن نهج البلاغه، قرآن آیه... مطالب امام خودشون فرمودند: فرمودند که اینقدر که شما رو نفی نمی‌کنم، پاشید برید. اون موقع بهشون میگفتن مجاهدین خلق و یادتونه تو کشور؟ بله. البته معنای این حرف من این نیست که هر آراسته ای، هر کسی که به هر حال اظهار تدین می‌کنه، نه. اتفاقاً کالای تقلبی رو شبیه کالای اصلی می‌کنن. یعنی انسانی که اهل رعایت بیت المال، اهل نماز، اهل صف اول، این آراسته است. منافق خودش رو به این چهره در میاره. قرآن میگه گولش رو نخورید: «**وَإِذَا رَأَيْتَ أَجْسَامَهُمْ**».

هشتم: ادعای اصلاح می‌کنن اما فساد می‌کنن. این خیلی عجیبه. «**وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ**». بابا فساد نکنید. کارهایی که شما دارید می‌کنید روشن، این فساده. میگن نه، ما اصلاح می کنیم. اسم فساد رو اصلاح می ذارن.

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

نهم: قرآن میفرماید تشویق می‌کنن مردم رو. این خیلی عجیبه. به کارهای زشت امر می‌کنن: «**يَأْمُرُونَ بِالْمُنكَرِ**». باید چی باشه؟ باید «**يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ**».

و نکته ی پایانی و **دهم:** قرآن کریم میفرماید این‌ها هدفشون نابودی اسلامه. لذا موضع ثابت ندارند. مذبذب‌اند بین این‌ها. گاهی اینور میرن، گاهی اونور میرن. هر طرف که به نفعشون باشه.

بله طرفی... خطر منافق خطر جدی است. پایان پذیر هم نیست. امروز هم تو جامعه ما با این خطر مواجهیم. فقط باید مسئولین، بزرگان، علما، شخصیت‌ها حواسشون جمع باشه. منافق مثل کافر شمشیر از رو نمیکشه. منافق با دست مخملی میاد اما زیرش دست شدنیه. منافق با ظاهر آراسته میاد اما باطنش رای و تزلزل.

به فضل الهی چهل و پنج آیه از سوره توبه و امسال موفق شدیم در این محضر شریف خدمت شما تفسیر... که نه، من جسارت نمی‌کنم، من مفسرگو نیستم. تبیین روشن یه معنای ظاهری از آیات داشته باشیم. از همه فضلا و بزرگانی هم که گاهی نقطه نظراتی اظهار کردند تشکر می‌کنیم. خدمت خودشون هم عرض کردیم که این در این آیات تفسیر تبلیغی و مردمی است. یعنی یه چیزی که به درد عموم بخوره. اینه که حالا اینجا مثلاً این حرف باید اینطور باشه، نمیدونم تجزیه‌ش چیه، ترکیبش چیه، وجوهش چیه... نکات دقیقی که توی تفاسیر آمده رو ما اصلاً اینجا مطرح

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

نکردیم. چون خدا حفظ کنه حاج آقای قرائتی رو، میفرمودند قرآن میفرماید: «**وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ**». ما باید برای قرآن که برای خواص نازل نشده... می فرماید: «**شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ**». لذا اگر یه تفسیر سنگین لغت‌یابی، ریشه‌یابی، تجزیه ترکیبی با همه ی اقوال بخواد اینجا بیان بشه، اون میشه تفسیر آیت الله العظمی جوادی آملی (دام ظله) که هشتاد جلد تسنیم منتشر شده. بله، اون تفسیر الحمدلله شیعه داره افتخار هم میکنه. بنده هم دیدم من همه ی این تفاسیر رو می‌زنم اما تبدیل این آیات به یه بیان ساده مدنظر ما بود که امیدواریم این امر تحقق پیدا کرده باشه.

خدایا عاقبتمون رو ختم به خیر بفرما.

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.